

روش‌های تحلیل و کاربرد آن در فلسفه تعلیم و تربیت

طیبه توسلی^۱

بیان مسأله

روش‌های تحلیل فلسفی از گذشته‌های دور تا حال حاضر یکی از مهمترین پایه‌های تحقیق در پژوهش‌های فلسفی به حساب می‌آیند که بدون شک گستره وسیعی از فعالیت‌های فلسفی را به خود اختصاص می‌دهند. با ظهور فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، روش‌های تحلیل در کانون توجه بسیاری از فیلسوفان به ویژه کسانی که علاقه‌مند به این نحله فلسفی بودند قرار گرفت. رویکردهای تحلیلی در این نهضت فلسفی گوناگون هستند، اما تقسیماتی چون تحلیل منطقی، تحلیل معرفت‌شناختی و تحلیل زبانی از روش‌های شناخته شده در این عرصه به حساب می‌آیند که مورد استقبال اندیشمندان در دانش‌ها و علوم مختلف قرار گرفته است. فیلسوفان تربیتی به ویژه فلاسفه تحلیلی تعلیم و تربیت در بیان و ایضاح اندیشه‌های تربیتی خود به تاسی از فیلسوفان تحلیلی از روش‌ها ذکر شده بهره‌های فراوان برده‌اند. مهمترین مسأله‌ای که این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به آن است، بررسی این موضوع است که: "روش‌های تحلیل فلسفی چه روش‌هایی هستند و چه تأثیری بر روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت داشته‌اند؟"

پرسش‌های اصلی

- تحلیل به چه معناست و تأثیر آن بر پژوهش‌های فلسفه تعلیم و تربیت چگونه است؟
- روش تحلیل منطقی چیست و چه تأثیری بر روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت دارد؟
- روش تحلیل معرفت‌شناختی چیست و چه تأثیری بر روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت دارد؟
- روش تحلیل زبانی چیست و چه تأثیری بر روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت دارد؟
- موارد اشتراک و افتراق در این روش‌ها همراه با تأثیرشان بر فلسفه تعلیم و تربیت



چگونه است؟

روش تحقیق

در انجام این پژوهش از رویکرد توصیفی-استنتاجی استفاده خواهد شد. بدین معنا که نخست توصیف و شرح مهمترین ویژگی‌های هر کدام از انواع روش تحلیل مد نظر قرار می‌گیرد و پس از آن تأثیری که بر روشهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت داشته‌اند شرح داده می‌شود. در پایان مقایسه‌ای در باب مهمترین ویژگی‌های این روشها و تأثیراتشان صورت خواهد گرفت.

چارچوب نظری

مباحث اصلی در این تحقیق شامل بیان و بررسی مفهوم تحلیل و ارائه تعریفی از آن است. پس از آن جایگاه تحلیل در نظر فیلسوفان در گذشته و حال مورد بررسی قرار می‌گیرد. توصیف سه نوع روش تحلیل، یعنی تحلیل منطقی، معرفت‌شناختی و زبانی همراه با جایگاه تاریخی و مهمترین مبانی نظری آنان مبحث بعدی خواهد بود. مقایسه این روشها درصدد دست‌یابی به نقاط اشتراک و افتراق از مباحث اصلی در این پژوهش است. همچنین تأثیر هر کدام از این روشها بر فیلسوفان تربیتی و کاربرد آنها در جنبه‌های مختلف از پژوهش‌های تربیتی اصلی‌ترین موضوعاتی خواهد بود که بخش قابل توجهی از این تحقیق را به خود اختصاص می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

در یک نگرش کلی روشهای تحلیل که در بین فیلسوفان تحلیلی مورد توجه قرار گرفته است، شامل روشهای تحلیل منطقی، معرفت‌شناختی و زبان‌شناختی می‌شود که در این نوشتار فقط این سه مورد همراه با تأثیرشان بر اندیشه‌های تربیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

1 - تحلیل منطقی: تحلیل منطقی از زمان ارسطو تا به حال به قوت خود باقی است. ارسطو بخشی از کتاب ارغنون که به دو مبحث قیاس و برهان اختصاص دارد، "آنالوطیقا" یعنی تحلیلات (analysis) نامیده است. مسلم است که در حیات طولانی علم منطق انواع روشهای تحلیل منطقی ابداع شده و مورد استفاده منطق‌دانان و فلاسفه قرار گرفته است. استفاده از



مهمترین مبانی علم منطق مانند تعریف، ترکیب، تجرید و استفاده از استدلال‌های منطقی مانند قیاس، استقرا و تمثیل برای توضیح و تحلیل گزاره‌های فلسفی و تربیتی همیشه مورد توجه فیلسوفان بوده است. تحلیل‌های منطقی در فلسفه تحلیلی با اندیشه‌های فرگه، راسل و ویتگنشتاین شروع شد. این فیلسوفان توجه به صورت عبارات و گزاره‌ها را برای تحلیل برگزیدند. یکی از روش‌های تحلیل در نزد این فیلسوفان استفاده از "منطق نمادین" است. منطق نمادین از علائم اختصاری، شامل حروف لاتین و نشانه‌های کاربردی در ریاضیات و منطق ساخته شده است. در بسیاری از تحلیل‌های منطقی و فلسفی به جای آنکه گزاره‌ها و یا مفاهیم به زبان مرسوم نوشته شود با این علائم اختصاری بیان می‌گردد، این روش سهولت و دقت در استدلال را با خود به همراه دارد. برخی فیلسوفان تربیتی در استدلال‌های خود هم از منطق ارسطویی و هم منطق جدید استفاده کرده‌اند.

2 - تحلیل معرفت‌شناختی: در این نوع تحلیل معرفت‌ها یا دانش‌ها برای فهم بیشتر و رفع ابهام از آن‌ها به منابع ساده‌تری از مدارک و شواهد ارجاع داده می‌شوند، عموماً مدارک و شواهدی که درجه بالایی از تعیین و مقبولیت را دارا هستند. نمونه بارز برای این نوع تحلیل شواهد ادراکی (مانند دریافتهای حسی) هستند که از مبانی نظریه تجربه‌گرایی (empiricist theory) به حساب می‌آیند (دائرةالمعارف راتلیج، ص 225). فیلسوفان تحلیلی تعلیم و تربیت مانند شفلر و برزینکا از این نوع روش تحلیل در آثار خود استفاده فراوان کرده‌اند.

3 - تحلیل زبانی: برخی فلاسفه تحلیلی معتقدند که رابطه زبان و فلسفه بسیار عمیق و تنگاتنگ است. چنانکه "ویلیام، پی. آلستون" (1964) می‌گوید: "فلسفه یک فعالیت زبانی محض است، بحث زبانی آزمایشگاه فیلسوف است که در آن آرا و نظراتش را در معرض آزمون قرار می‌دهد. بنابراین فیلسوف باید درباره کم و کاستی‌های تجهیزاتش حساس باشد" (آلستون، 1381، ص 26). برای رفع این کم و کاستی توجه به زبان از ابعاد گوناگون مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته است. فیلسوف سرشناسی که نظراتش در این باره چشمگیر است، ویتگنشتاین است. از دیدگاه او زبان یک عنصر فعال و با ارزش در زندگی آدمیان است. به نظر ویتگنشتاین برای یافتن معنای یک واژه به کاربرد آن در زمینه خاصش باید توجه کرد. فیلسوفان تحلیلی تعلیم و



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

تربیت مانند پیترز، هرست، شفلر و برزینکا در تحلیل مفاهیم و گزاره‌های تربیتی از این روش استفاده فراوان کرده‌اند.

واژگان کلیدی: تحلیل، تحلیل منطقی، تحلیل معرفت‌شناختی، تحلیل زبانی، فلسفه تعلیم و تربیت

منابع

- 1- آلستون، ویلیام، پی (1381)، فلسفه زبان، ترجمه احمد ایرانمنش و احمد رضا جلیلی، تهران، نشر سهروردی.
- 2- باقری، خسرو (1389)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم تحقیقات و فناوری).
- 3- Baldwin, T. (1998), *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*, Rutledge.
- 4- Reese, W. (1996), *Dictionary of Philosophy and Religion*, U.S.A., Humanities Press.
- 5- Scheffler, I (1960), *The Language of Education*, U.S.A., Charles C. Thomas Publisher.
- 6- Sheffield, E. (2004), *Beyond Abstraction: Philosophy as a Practical Qualitative Research Method*. *Journal of: The Qualitative Report*. Vol: 9, N: 4, PP:760 – 769.